

دوره ششم تقنینیه

مذاکرات مجلس

جلسه

۱۲۵

شماره

۹۰

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه پنج شنبه ۸

تیر ماه ۱۳۰۶

مطابق ۳۰ ذیحجه

۱۳۴۵

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمت اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان

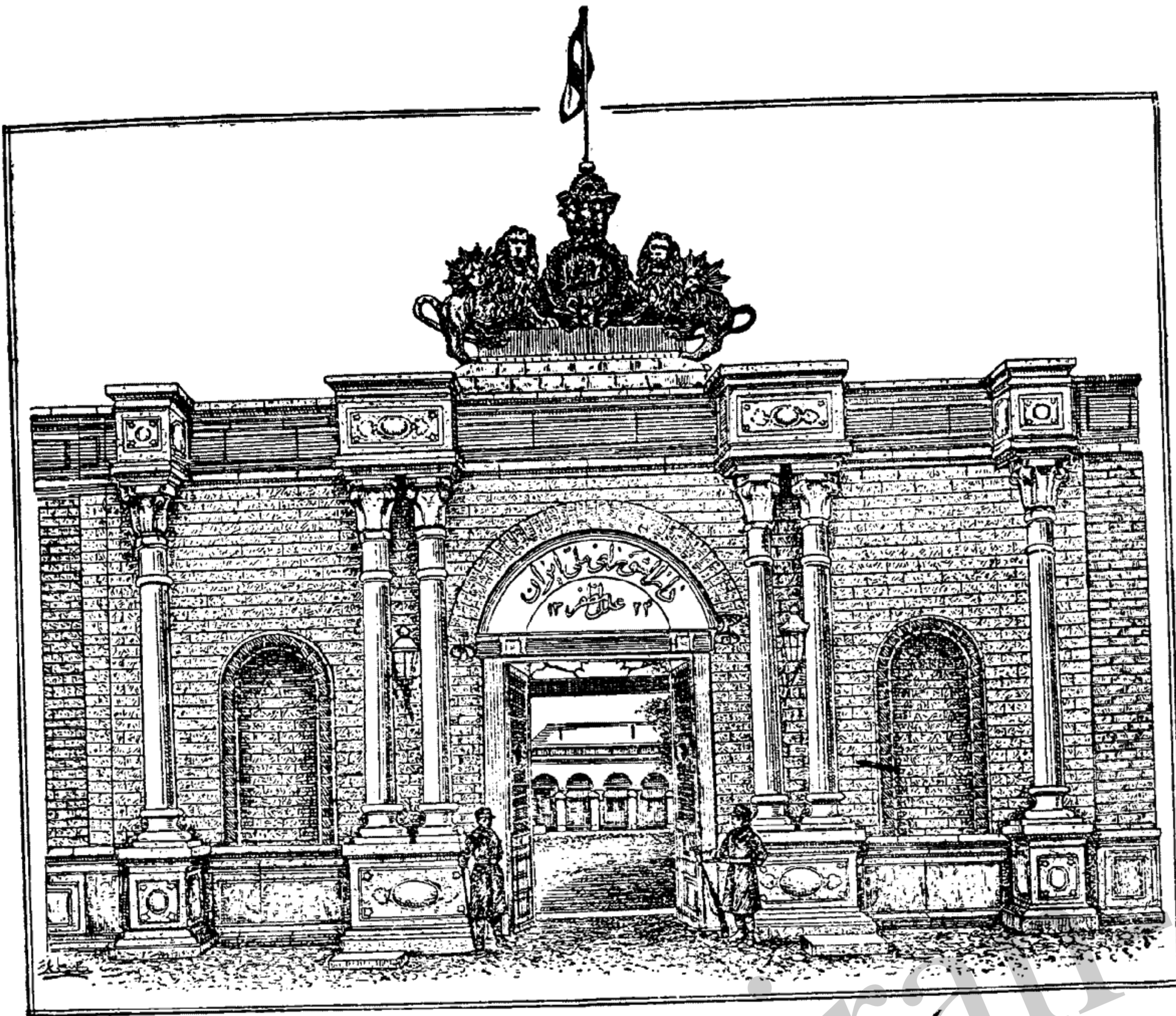
خارجه « دوازده تومان »

قیمت تک شماره

یک قران

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب نمایندگی آقای مولوی از حوزه انتخابیه سراب و گرمرود	۱۸۳۸	
۲	تصویب مرخصی آقایان: غلامحسین میرزا - امیر اسدالله خان عمری - یحیی خان زنکنه - مفتی - عباس میرزا	۱۸۳۸	۱۸۳۹
۳	سؤال آقای افشار از آقای وزیر مالیه راجع بکارخانه کبریت سازی آذربایجان و جواب آقای وزیر	۱۸۳۹	۱۸۴۰
۴	سؤال آقای باستانی از آقای وزیر مالیه راجع بموضوع نان طهران و قروض اداره ارزاق و جواب آقای وزیر	۱۸۴۰	۱۸۴۷
۵	سؤال آقای رفیع از آقای وزیر مالیه راجع به کمی رانی در صفحات گیلان و جواب آقای وزیر	۱۸۴۷	۱۸۴۹
۶	شور و مذاکره نسبت بخرمگسیون محاسبات راجع بتعمیر مقبره فردوسی از محل صرفه جوئی ۱۳۰۶ مجلس و ارجاع مجدد آن بکمسیون محاسبات	۱۸۴۹	۱۸۵۹



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۸ تیرماه ۱۳۰۶ مطابق سی ام ذیحجه ۱۳۴۵

جلسه ۱۲۵

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر ریاست آقای طباطبائی دیبا نایب رئیس تشکیل گردید) (صورت مجلس سه شنبه ششم تیر ماه را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

نایب رئیس - چون کمسیون عراض و مرخصی تکلیف مرخصی ها را معین نکرده در صورت مجلس نوشته نشده است در جلسه بعد نوشته میشود. نسبت به صورت مجلس ایرادی نیست؟

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد .
 دکتر حسینخان بهرامی (معاون فنی وزارت داخله)
 مرحوم دکتر هادیخان مستخدم صحیه کل موقعیکه ریاست
 قرنطینه آستارا را داشته است مرحوم شده نظر باینکه
 صغار و باز ماندگان ایشان وسیله برای تأمین معاش
 نداشتند از طرف دولت لایحه تقدیم میشود که مستمری
 باشهریه برای ایشان درست شود .
 نایب رئیس - مراجعه میشود به کمیسیون بودجه .
 وزیر مالیه - بنده برای جواب بعضی سؤالانی که
 آقایان نمایندگان کرده اند حاضر .

نایب رئیس - در جلسه گذشته راجع بانتخابات
 سراب و گرم رود چون عده کافی نبود رای گرفته نشد
 فعلا رای گرفته میشود . آقایانیکه موافقت باینها
 آقای مولوی از سراب و گرم رود قیام فرمایند .
 (اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون مرخصی
 راجع به مرخصی شاهزاده غلامحسین میرزا مسعود .
 (بشرح ذیل خوانده شد)

شاهزاده غلامحسین میرزا مسعود نماینده محترم بواسطه
 کسالت مزاج تقاضای چهل روز مرخصی از تاریخ
 حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشانرا تصویب و خبر آن
 را بمقام مجلس شورای ملی تقدیم میدارد و ضمناً تذکر
 میدهد که نماینده محترم پس از تصویب در طرف دو
 ماه حق استفاده از چهل روز مرخصی خواهند داشت .
 دهستانی .

نایب رئیس - رای گرفته میشود . آقایانیکه مرخصی
 ایشانرا تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون مرخصی
 راجع بمرخصی آقای طباطبائی و کیلی .

(اینطور خوانده شد)

آقای طباطبائی و کیلی نماینده محترم
 طباطبائی و کیلی - مسترد میدارم .
 نایب رئیس - خبر کمیسیون مرخصی راجع بمرخصی
 آقای امیراسدالله خان عامری .
 (بشرح آتی خوانده شد)

آقای امیر اسدالله خان عامری نماینده محترم تقاضای
 بازده روز مرخصی نموده کمیسیون تقاضای ایشانرا تصویب
 و خبر آنرا به مجلس شورای ملی تقدیم میدارد و ضمناً
 به نماینده محترم تذکر میدهد که در طرف یکماه پس
 از تصویب حق استفاده از بازده روز مرخصی خواهد
 داشت .
 نایب رئیس - رای میگیریم بیه مفاد این خبر .
 آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون مرخصی
 راجع به مرخصی آقای یحیی خان زنگنه .
 (بشرح ذیل خوانده شد)

آقای یحیی خان زنگنه نماینده محترم تقاضای چهارماه
 مرخصی از تاریخ حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشانرا
 از تاریخ اول شهریور لغایت یکماه تصویب و خبر آنرا
 تقدیم میدارد .

نایب رئیس - آقای مهدوی
 مهدوی - بنده با مرخصی یکماهه ایشان مخالفی ندارم
 ولی با طرزیکه کمیسیون عرایض پیش گرفته است مخالفم
 و اقل از تماشاچی ها خجالت میکشم .

نایب رئیس - آقای رفیع
 حاج آقا رضا رفیع - بنده هیچ نفهمیدم چرا آقا از
 تماشاچیها خجالت میکشند برای اینکه اغلب آقایان کارهای
 شخصی دارند و نمی دارم آقا در باره سایرین این نظرها
 را اعمال فرمایند .

نایب رئیس - رای میگیریم آقایانیکه مرخصی آقای
 یحیی خان زنگنه را تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اغلب برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون مرخصی
 راجع به مرخصی آقای مفتی .
 (بمضمون ذیل خوانده شد)

آقای مفتی نماینده محترم سابقاً از اول خرداد لغایت
 دو ماه تقاضای مرخصی نموده بودند نظر به باره معذوری
 که داشته اند در موقع استفاده از مرخصی خود
 نموده و مجدداً تقاضا نموده که از تاریخ اول
 تیر ماه اجازه مرخصی داده شود . کمیسیون
 چون عذر ایشان را موجه دانسته مرخصی معزی الیه
 را از تاریخ اول تیرماه لغایت دو ماه تصویب و خبر آنرا
 بمقام مجلس شورا تقدیم میدارد .

نایب رئیس - رای میگیریم . آقایانیکه مفاد این خبررا
 تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . خبر کمیسیون مرخصی راجع
 بمرخصی شاهزاده عباس میرزا
 (بترتیب ذیل قرائت شد)

شاهزاده عباس میرزا نماینده محترم بواسطه کسالت
 مزاج و تجویز اطباء در تغییر آب و هوا تقاضای دو ماه
 مرخصی از روز حرکت نموده کمیسیون تقاضای ایشانرا
 تصویب و خبر آنرا بمجلس مقدس شورا تقدیم میدارد . و ضمناً
 به نماینده محترم تذکر می دهد که از تاریخ تصویب
 در طرف سه ماه حق استفاده از دو ماه مرخصی خود خواهند
 داشت .

نایب رئیس - آقای روحی
 روحی - عرضی ندارم
 نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم در این موضوع از دو
 جهت است یکی اینکه شاهزاده عباس میرزا یکمرتبه یکماه
 استفاده از مرخصی کرده اند . یکی هم اینکه نظر من به
 اعضاء کمیسیون مرخصی است که چه نظری گرفته اند .
 اگر نظرشان این است که باین ترتیب طبعاً مجلس
 تعطیل شود خوب یکمرتبه پیشنهاد کنند مجلس يك
 مدتی تعطیل شود بنده فعلاً با مرخصی شاهزاده عباس
 میرزا مخالفتی ندارم شاید رای هم بدهم ولی خوبست اعضاء
 کمیسیون عرایض يك زمینۀ در دست بگیرند . يك
 ملکتي که محتاج بمجلس است . ملکتي بدون مجلس
 شورای ملی نمیشود . مجلس باید باز باشد و جریان داشته
 باشد بدون مجلس نمیشود . بنده نسبت باعضاء کمیسیون
 عرایض نمیخواهم اظهار سوء ظن بکنم میخواهم خواهش
 کنم که يك قدری توجه فرمایند و کمتر اجازه بدهند .
 روزی بیست فقره با مرخصی تصویب کنیم سه بیست تا
 میشود شصت تا و مجلس از اکثریت میافتد و ادارات
 و وزارتخانهها نمیتوانند کار کنند . در ملکتي که حکومت
 حکومت قانونی است بدون مجلس کار پیش نمیرود . ملکتي
 که جریانش جریان شوری است و حکومتش قانونی است
 دیگر امکان ندارد برگردد . طفل هشت ساله دیگر به
 شکم مادر بر نمیگردد . میخواهند تعطیل شود یکمرتبه
 پیشنهاد تعطیل بکنند و الا این ترتیب خوب نیست .
 بنده از اعضاء محترم کمیسیون مرخصی تقاضا میکنم قدری
 این مسئله را محدود کنند این بود عرض بنده .

نایب رئیس - رای میگیریم به مرخصی شاهزاده
 عباس میرزا آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . آقای افشار راجع به
 کارخانه کبریت سازی آذربایجان سؤال کرده بودید بفرمائید .
 افشار - در دوم خرداد قانونی از مجلس شورای ملی
 راجع به کارخانه کبریت سازی آذربایجان گذشته در هفتم

خرداد ۱۳۰۶ تحت نمرة ۷۲۲۵ به اداره راه آهن جلفا و تبریز به نحوی که قرائت میکنم ابلاغ میشود.

اول -- مجلس شورای ملی جدیداً قانونی تصویب نموده است که کارخانه کبریت سازی تبریز از تادیه مخارج حمل معاف میباشد و بابت اداره دستور دادید که قانون مزبور را اجرا نمائید. این ماده يك. ماده دو. معیناً آن اداره بابت مخارج نسبی حرکت دادن زن را از قبیل کسر قیمت آلات متحرکه موتور و آگون. خط راه آهن و غیره -- باضمایم قیمت نسبی تمام مخارج فوق لعاده را با کارخانه کبریت سازی محسوب و مأخوذ دارد ماده سوم -- در صورتیکه کارخانه کبریت سازی محتاج استعمال نهایی ترن یا ترمی کشتی باشد آنوقت باید نهایی قیمت حقیقی راه انداختن ترن با کشتی بعلاوه مخارجی که در ماده دو این مراسم ذکر شده با کارخانه مزبور محسوب کند. رسید این دستور را اطلاع دهید.

سؤال بنده از آقای وزیر مالیه این است که شرحی را که بنده خواندم آیا از ناحیه وزارت مالیه راجع به قانون دوم خرداد ابلاغ شده است؟ اگر اینطور باشد بکلی برخلاف تصمیم مجلس است. وزارت مالیه هیچوجه حق تفسیر قانون را ندارد. در قانونی هم که گذشته هیچوجه ابهامی نبوده که بخواهند تفسیر نمایند. در صورتی که حق تأویل و تفسیر قانون را هم ندارند نمی میکنم جواب این سؤال را مرحمت نمایند.

وزیر مالیه -- متأسفانه در جواب نماینده محترم تکلیف بنده خیلی مشکل است برای اینکه این خلاف قانون بین و صریح از طرف اداره بنده شده است و يك چنین دستور العملی بامضای پیشکار مالیه آذربایجان داده شده است و در اداره مرکزی همچو اطلاعاتی هیچ نبوده. بعد از آنکه به بنده این اطلاع را دادند فوراً دستور العمل دادم که نقض این دستور را صادر کنند و مؤاخذه هم کردم که چرا بدون جهة و بدون مراعات قانون این دستور داده شده است. خیلی متأسفم که این قضیه اتفاق

افتاده و امیدوارم که بشود جلو گیری کرد که در آتیه نظائری پیدا نکند.

نایب رئیس -- آقای بسائی

بسائی -- همه آقایان میدانند که موضوع نان طهران در چندین سال قبل يك موضوع مهم سیاسی بود و مسئله ارزاق و نان طهران يك مدخلیت نام و تمامی در سیاست داشت. وضعیت اسفناك ۱۳۳۶ دولت را مجبور کرد که يك مراقبت مخصوصی نسبت به ارزاق طهران بعمل بیاورد اداره تأسیس کرد. چه در طهران و چه در نقاط تأثیر در آذربایجان طهران داشت. البته با اعتباراتی که مجلس شورای ملی داده بود مخارج زیادی هم در این راه شده ولی در نتیجه وضعیت ارزاق در این چند سال اخیر خیلی رضایت بخش بود برای این که خود بنده وضعیت اسفناك ۱۳۳۶ را مشاهده کرده و در طهران از آن تاریخ به بعد اوضاع خبازی خیلی خوب بود مخصوصاً در ۱۳۰۴ اگر مراقبت اداره ارزاق نبود یقیناً يك عده زیادی تلف میشدند. امریکائی ها، میسیون امریکائی با يك اهتمام مخصوصی مراقبت زیادی در این موضوع بعمل آوردند و يك وسائلی برای حمل و نقل فراهم نمودند و کارکنان اداره ارزاق جدیدی بخرج دادند و از اتلاف نفوس جلوگیری شد. در هر حال يك اسراف و تبذیر هائی هم در اینگونه مواقع میشود. در جلسه گذشته آقای فهیمی در اینجا يك فرمایشاتی فرمودند راجع به قروض اداره ارزاق برای اینکه رفع سوء تفاهم بشود بنده ناگزیر شدم که از آقای وزیر مالیه يك سؤال بکنم که با مسؤولیتی که ایشان در پیشگاه مجلس شورای ملی دارند توضیح بدهند که وضعیت اداره ارزاق چیست؟ موجودی اداره ارزاق از نقد و جنس چقدر است؟ بطوریکه در کمیسیون بودجه ما اطلاع پیدا کرده ایم و مطابق صورتهائی که بنا دادند قریب بازده کرور تومان به اعتباریکه مجلس داده است از خزانه و بانک شاهی گرفته اند و بصرف رسانیده اند و در مقابل این وجه آنچه که حاضر دارند قریب پنجاه

و پنج هزار خروار گندم در طهران و همین اندازه هم در ولایت است و گویا ده هزار خروار هم جو میباشد در حدود صد و بیست هزار خروار گندم و جو موجود دارند که شاید قیمت آنها پنج کرور بشود. قریب يك میلیون هم بصرف خرید کامیونها و وسائل حمل و نقل و تأسیس اداره مکانیک رسیده است. که بنده زیکنقر اروپائی شنیده که میگفت خیال میکنم در آسب يك مؤسسه حمل و نقلی بهتر زاینکه شما دارید نیست... کازرونی -- نمی فهمیده.

بسائی -- حالا بنده خیال میکنم بهر نحو بوده است با خون جگر يك مؤسسه حمل و نقلی درست شده است و موضوع ندارد بهم بزنند. در عین حال معتقد این بودجه و تشکیلاتی که برای ارزاق و اداره حمل و نقل درست کرده اند خیلی زیاد است و رفقای بنده هم در کمیسیون بودجه اهتمام دارند که تقلیلی در بودجه حمل و نقل و اداره ارزاق بعمل بیاید و به عقیده بنده يك اداره انبار برای طهران کافی است و اگر لغت اداره ارزاق هم برود بهتر است يك اداره انباری میخواهد که جنس را از ولایات حمل کنند و به انبار تحویل بدهند و انبار هم بدهد به خبازها و این تشکیلاتی که در حدود يك کرور و نیم بودجه آن است لازم نیست. و اینها هر کدام در موقع خودش گفته خواهد شد شاید بودجه اش هم در موقع خودش تقدیم مجلس خواهد شد. ولی چیزیکه موجب سؤال بنده شده است این است که گفته اند این قدر جنس در مرکز و ولایات داریم بنقدر هم کامیون داریم و گویا قریب سه کرور کسر دارند و قریب چهار صد و نود هزار تومان هم در ولایات و جوهری دارند که اعتبار داده اند به امانت مالیه و مأمورین ارزاق جهت خریداری گندم که معلوم نیست آنها هم کاملاً موجود است یا نزد اشخاص میباشد. در هر حال آنچه که معلوم است کسر اداره ارزاق بیش از سه کرور نخواهد بود و اینهم از بابت

سنه ۱۳۰۴ بوده است که جنس را بقیمت گران خریدند اندو مجبور بوده اند بقیمت ارزان بفروشند. گندم از استرالیا وارد کرده اند خرواری شصت تومان و خرواری بیست و دو تومان فروخته اند. از حدود خود ما و از شهر رود و خراسان خرواری چهل و چهل و پنج تومان وارد طهران کرده اند و فروخته اند خرواری بیست و دو تومان. البته يك تفاوت هائی در ذوق عریض من مطابق توضیحاتی است که مأمورین رزق داده اند. چون آقای فهیمی در مجلس يك بیاناتی فرمودند بنده خودمرا مکلف دانستم که سؤال کنم که آقای وزیر مالیه در جواب سؤال بنده وضعیت کمیونی اداره رزق را توضیح بدهند که ما اطلاعیمان بیشتر بشود که رستی رستی این مذاکراتی که در اضرف اداره ارزاق میشود صحت دارد و آیا این توضیحاتی که عطاء اداره ارزاق در کمیسیون بودجه به ما دادند اینچنین کافی است که بتوانیم عمده و ضمیمان داشته باشیم یا این حرفهائی که در خرج و داخل میشوند اساس دیگری دارد.

وزیر مالیه -- در موضوع ارزاق و قروض و محاسبات آن هم منظور است که بنده محترمه فرمودند. بودجه مشغول يك تحقیقات و مطالعاتی است یعنی از چندین قید به بین ظرف کمیسیون محترمه بودجه در نظر گرفته است قضیه ارزاق روشن کند. از حیث حساب گذشتند و از حیث تشکیلاتی اداره آینه. قروض انبارا مربوط میشود به قسمت اول. قسمت اول یعنی حساب گذشته. چیزی که در این قسمت ما میتوانیم مطلق وسائلی که در دست داریم بطور تحقیق معین کنیم فقط آن مبلغ قرض است که این را بطور تحقیق میتوانیم معین کنیم و اما محاسبات این دو سه ساله ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ متأسفانه به اندازه بی رویه بوده است که بابت زحمت های زیادی هم که کشیده شده است هنوز نتوانسته ایم يك حساب صحیحی پیدا کنیم ولی آقایان اعضا کمیسیون بودجه هم مسبوق هستند که در صد هستیم در کمیسیون حساب را روشن کنیم. ابتداء قسمت

اول راجع به قروض را عرض میکنم بعد نسبت به آینده هم عقیده ام را عرض خواهم کرد.

آقای یسائی اشاره فرمودند به صورتی که در کمیسیون بودجه از طرف خود بنده و اداره ارزاق تقدیم شده است و آن صورتهای تمام صحیح است یعنی مطابق صورتی است که تا اول فروردین استخراج کرده بودیم و اگر خاطر آقایان باشد در آن صورت جمع کل قرض اداره ارزاق چهار میلیون و هشتصد و هشتاد و شش هزار و چهارصد و شصت و در تومان بود. بنده دیروز خزانه دار را خواستم و قرض تا تاریخ دیروز را خواستم معین کنم. تا تاریخ دیروز پنج میلیون و سیصد و سی و هشت هزار و پانصد و بیست و پنج تومان. مبلغ قرضی است که اداره ارزاق به خزانه داری و بانک داشته ...

امیر نایب کلالی - موجودی چه دارد؟

وزیر مالیه - اجازه فرمائید. چون مطلب يك مطالبه‌های است و اظهاراتی در اطراف آن در مجلس شده و نمکن است در اطراف آن اظهاراتی هم تعبیراتی بکنند. بنده هیچ ضرری در این مسئله نمی بینم که بگذردی قضایا با شرح و بسط در اینجا عرض شود. این مبلغ پنج میلیون و سیصد و سی و هشت هزار تومان که جمع قرض اداره ارزاق است تا تاریخ دیروز یعنی در روز که خزانه داری این صورت را بمن داده است باید تصور کرد که تا تاریخ دیروز است این مساعده هائی است که به اداره ارزاق در این سنوات داده شده يك قسمتی از این وجوه در ۱۳۰۵ داده شده يك قسمتش مساعده های ۳۰۴ است شاید قبل از ۳۰۴ هم چیزی باشد ولی گمان میکنم اگر هم باشد چیز خیلی کمی است و يك مقداری از این مساعده ها را خزانه از بانک برای ارزاق تحصیل کرده و بموجب يك قرار دادی که خزانه با بانک داده بود مبلغی از بانک قرض کرده بود و مطابق قرار داد معینی به اقساط معین آن قروض را خزانه به بانک داده و دیروز که بنده تحقیق کردم يك قسط که پانصد هزار

ارباب کیخسرو - تمام این مقدار خریداری است یا مالیاتی هم هست؟

وزیر مالیه - مالیاتی و خاصه و خریداری همه مخلوط است علتش هم این است که تا بحال اینطور معمول بوده است. در این راپرت ذکر می در این مسئله نیست بنده نظریه اطلاعات و مسموعات خوده عرض میکنم و گمان میکنم که اشتباه هم بکنم. اداره مالیه از محل مالیاتی و خاصه که جنس میگیرد اداره ارزاق میدهد و پول او را حساب میکند بین جبهه فرقی مابین جنس خریداری از مردم یا جنس خاصه به مالیات نباید گذاشت و مثل هم است ... کارروئی - پولش را داده اند؟

وزیر مالیه - البته این حسابی که می بیند صورت داده اند اگر پول هم نداده باشند حواله و اطلاق کرده و بحساب آورده اند از یکجا کم میکنند. یکجا اضافه میکنند در قسمت هائی هم در ولایات قلمداد میکنند قریب پنجاه و هشت هزار خروار گندم قلمداد میشود که پانصد و پنجاه و دو هزار تومان تعبیر میکنند. ولی نسبت بین رقم ولایات بنده خوده درست اطمینان نداشتم که این رقم مطابق صورتهای جزء هست و مخارجی که تا حالا از این جنس شده است پولش وارد خزانه شده است یا نه يك جنس موجودی است؟ باین ملاحظه این قلم ...

کارروئی - آن کامیون شکسته ها را هم بگوئید. وزیر مالیه - جنس ولایات را بیشتر تا نزدیک عرض میکنم تا قلمهای دیگر و در این باب يك تحقیقاتی کرده ام که این مطلب خوب روشن شود. يك مقدار جو هم هست که در حدود صد و پنجاه هزار تومان قیمت دارد بقیه قسمتهای دیگر چنانکه عرض کردم مساعده های نقدی است یا بابت پیش کرایه جنس نزد شتر دار ها مانده که قریب سیصد و شصت و پنجاه هزار تومان در مرکز است و صد و ده هزار و خورده در ولایات است که در همه مرزها قریب پانصد هزار تومان است این از آن اقلامی است که نمیشود کاملاً اطمینان بوصولش داشت. يك قسمت

هم مطالباتی است که در ولایات از مردم دارند قریب صد و هفتاد و سه هزار تومان قلمداد میشود که در خراسان و آذربایجان و خوزستان این مطالبات هست و اینهم یکی از آن اقلامی است که بالاخره درست معلوم نیست عاقبتش چه خواهد شد بالاخره در این جمع و خرجی که شده در صورتیکه تمام این اقلام را ما وصولی حساب کنیم تفاوتی را که خود اداره قلمداد میکنند در حدود يك میلیون و چهار صد و الی پانصد هزار تومان است. حالا از این مبلغ هائی که عرض کرده يك پول نقدی هم قریب دویست هزار تومان در خزانه مرکزی ارزاق به حساب آورده اند و يك پولی هم در ولایات که همانطور که آقای یسائی اشاره فرمودند چهار صد هزار تومان قلمداد میشود و آن مبلغ ولایات را هم که آقای یسائی خودشان مسبقند که يك قسمتهای آن دست معامله چتها و معامله گرهائی است که متأسفانه پول دولت را میگیرند که برات کنند یا جنس بفرستند بعد میگویند ما ورشکست شده ایم و نداریم بدویم آنوقت بنده مجبورم برخلاف میل و نیت و اراده خود حکم امضاء کنم که بروید ملکش را حجزه اش را توقیف کنید و پول دولت را وصول کنید. پول نقدی از این طرف از دولت میگیرند آنوقت ما باید برویم ملک توقیف کنیم، حجزه توقیف کنیم، خورده فروشی کنیم برای اینکه آیا از این سی هزار تومان بی پنجاه هزار تومان چیزی وصول بشود یا نه اینکه عرض کرده در این قسمت غیر از قلم قرض که يك قلمی است که از روی کتب و دفاتر بطور قطع معین است در آن قسمت همی دیگرش بطور قطع نمیشود اظهار عقیده کرد برای این که يك قسمت از این محاسبات در ولایات است. همینطوریکه ملاحظه میفرمائید يك صورتهائی قلمداد میشود پیش کرایه، مطالبات، قیمت گندم، خریداری، حتی بالا تر از این گندم موجود، و نسبت به اینها هیچکدام تا وقتی بطور قطع رسیدگی و تفهیش نشده باشد و روشن نشده باشد و آن قسمتی را که در مقابل قروض هست

و حساب این دو سه سال کاملاً معلوم و تصفیه نشود
نمیشود يك عقیده قطعی اظهار کرد ولی صورتهای تقریبی
که در اداره تهیه شده است و موجود است اینها
بود که عرض کرده. اما گویا در ضمن مذاکرات آقای
فهرمی بود به بنده در روزنامه خواندم. نماینده است
نقل از قول ایشان بود یا در خود روزنامه نوشته شده
بود که نسبت به محل پرداخت این وجوه بخزانه يك
اشاره هائی شده بود. باید عرض کنم که این قروض
از باب حساب ۱۳۰۵ تصفیه شده است و تصفیه میشود
بلکه بطور کلی میشود گفت که از عایدات مملکتی سنه
۱۳۰۵ داده شده. حالا از هر کدام منبع عایدات
میخواهد باشد. بالاخره این وجوه از عایدات مملکتی
است و از عایدات مملکتی ۱۳۰۵ این قروضی که
ب اداره ارزاق داده شده پرداخته شده است. چه ظاب
بانک پرداخته شده. چه به خزانه مستقیماً داده شده
است. بالاخره این پنج میلیون و سیصد و هشت هزار
تومان که امروز ارزاق به خزانه مقروض است و بنص
هزار تومان بانك هم جزء آن است و خزانه خواهد پرداخت
از مزاد عایدات در مقابل مخارج بودجه مصوبه سنه
۱۳۰۵ پرداخته شده.

حاج آقا رضا رفیع - مجلس تصویب کرده بود:

وزیر مالیه - در قسمت تصویب مجلس عرض میکنم
که در قانون بودجه ۱۳۰۴ يك ماده هست که گویا
ماده دوازده باشد که در آنجا بوزارت مالیه اجازه میدهد
که يك میلیون و بنصدهزار تومان مساعده های قلیل المده
برای اداره ارزاق تحصیل کنند بشرط اینکه این مساعده
ها در آخر سال از قیمت فروش جنس خریداری شده
پرداخته شود. این ماده در قانون بودجه ۱۳۰۴ هست
ولی البته بواسطه همان اشاره که آقای یاسائی فرمودند
نظر باینکه در آن موقع و سختی سال يك تفاوتی در
قیمت خرید و فروش گندم در سنه ۳۰۴ پیدا شده
است (اما در ۳۰۵ قضیه بکلی معکوس بوده)

بنا بر این باید آنچه را که گفت که وزارت مالیه قادر نبوده مقررات این
ماده را انجام دهد یعنی در آخر ۳۰۵ این يك میلیون
و بنصدهزار تومان را که مکلف بوده است بدهد (حالا
شاید بیشتر هم بوده) پس بدهد. این مال ۳۰۴ است
اما در ۳۰۵: در ۳۰۵ این را خیلی عذر میخواهم که حقیقه
نمیدانم، فراموش کرده ام تحقیق کنم که آیا در ۳۰۵ هم
يك ماده قانون مخصوصی برای اعتبار دادن به ارزاق از
مجلس گذشته است؟ ...

بکنفر از نمایندگان - خیر

وزیر مالیه - باز روی مآخذ اعتبار ۳۰۴ و يك
دوازدهم يك دوازدهم وزارت مالیه خودش را مجاز
دیده است که يك میلیون و نیم هم در ۱۳۰۵ به ارزاق
داده شود. این را بنده نمیدانم. اگر آقایان اطلاعی
دارند که از مجلس چیزی گذشته است یا گذشته است
بفرمایند بنده شخصاً اطلاع ندارم. در هر حال مآخذ و
مدرك قانونی مصوبه مجلس ماده دوازدهم قانون بودجه
۱۳۰۴ است. اینجا البته در قسمت قرارداد های بانك
هم که برای گرفتن آن قرضی که بعد تأدیه شده است
داده بودند يك تحقیقاتی را خود بنده محتاج بوده که
کرده ام ولی هنوز حاضر نشده باین ملاحظه در آن
قسمت فعلاً اظهار نظر و عقیده نمیکنم. اما نسبت به قسمت حمل
و نقل که آقای یاسائی اشاره فرمودند: اداره حمل و
نقل البته تصدیق میفرمائید که يك خدمت بزرگی برای
حمل جنس در ۳۰۴ بنده کرده. حالا البته در آن موقع
بکندری دست پاچگی، بی صبرتی، مابی اطلاعی و عدم تخصص
در این مسائل اینها همه دست بهم داده و شاید گران خریده
اند، خوب نخریده اند ولی در هر حال يك نتیجه که بیایستی
گرفته شود گرفته شده اما اگر بخواهیم مقابله و مقایسه
بکنیم که آن نتیجه با این ضرر و با این مصرف تعادل
نمیکند یا اگر امروز تمام این اتومبیلها را بخواهیم در
قیمت نگاه کنیم که بیشتر از يك میلیون خریده شده
و شاید امروز نشود بقدر صد هزار یا صد و پنجاه هزار

تومان هم برای آنها خریدار پیدا کرد و فروخت عرض
کردم اینها در اثر يك عدم بصیرتها و عدم اطلاعیها بوده
ولی در آن روز و آن موقع از این حمل و نقل و این
اتومبیلها آن نتیجه را که برای سهولت حمل و نقل جنس
به طهران باید گرفته شود گرفته شده ...

کازرونی - بدبختی را خودشان ایجاد کردند.

وزیر مالیه - اجازه بفرمائید فقط در این باب باید
مقایسه کرد که آیا حالا بعد از ۳۰۴ یعنی در ۳۰۵
دیگر ارزش داشته معادله و مقایسه خرج و خدمتی که
از این اداره حاصل میشود برای اینکه این مصرف بشود
یا نشود؟ این يك نکته خیلی دقیقی است. و بنده خیلی
متأسفم که از اول ۱۳۰۵ باین فکر نیفتادم. اگر از
اول ۱۳۰۵ باین فکر افتاده بودند (یعنی از اول خرمن
۳۰۵) شاید هر ضرری که ما از نقطه نظر حمل و نقل
تا بحال داریم کمتر بود تا اینکه امروز باین فکر افتاده ایم
زیرا اولاً مخارجی که در این مدت شده نمیشد. و خرابی
هائمی هم که به آلات و ادوات وارد شده بقدر یکسال
کمتر وارد میشد ولی در هر حال امروز هم بنده معتقدم
که این یکی از آن قضایائی است (داریم تعقیب هم میکنیم)
که باید روشن بشود برای اینکه از هر چه تکلیفش روشن
بشود بهتر است، و در ضمن هم نظریاتی که برای آتی
انبار در نظر گرفته میشود این قسمت را هم با مشورت
آقایان اعضاء کمیسیون بودجه در تحت نظر و مشاوره
میآوریم. بنده معتقدم که برای دولت با این وضعی که
دارد و با اینکه اداره ارزاق هم برای شهر طهران لازم
دارد داشتن وسایل حمل و نقل يك چیز خیلی لازمی است
شیروانی - ولی نه اینطور.

وزیر مالیه - بنده هم همین را دارم عرض میکنم
منتها باید این وسیله حمل و نقل متناسب با مقصود بشود
و باید سعی کرد که بهر اندازه ممکن است طرز اداره این
کار را تجارتی کرد. خیلی تفاوت دارد که اگر يك حمل
و نقلی بطرز تجارتی اداره شود تا يك حمل و نقلی که بطرز

دولتی و اداری و ملاحظه گوی اداره شود باید دولت
در این قسمتهای خودش همیشه سعی کند که روبه اداره
را روبه تجارتی بکند ...

وزیر مالیه - ملاحظه بفرمائید. تنها میکنم این
قسمت را بگذارند به مسؤلیت قوه مجریه. اینها از
جاهائی است که به قوه مجریه را در قسمت مسؤلیت
خودش بکلی آزاد گذاشت زیرا او میتواند بسنجد و
ببیند آن وظایفی را که باید ادا کند بچه راه و بچه
وسیله بهتر میتواند داد بکند. اما نسبت به قسمت آتی که
نماینده محترم اشاره کردند. همانطوریکه فرمودند در
کمیسیون بودجه يك توافق نظری با شخص بنده حاصل
شد در این زمینه که اداره ارزاق و انبار را از این وضعیت
خیلی عریض و طویلی که درد این را تغییر بدهیم
و خیلی کوچکتر و مناسبتر با مقصود بکنیم و
بصورت يك اداره انباری در بیآوریم.

راجع به بودجه سرویس حمل و نقل هم مذاکره میشد در
سال گذشته یعنی در ۳۰۵ بودجه آن قریب يك میلیون
و ششصد هزار تومان بوده است. در بودجه که اداره
حمل و نقل برای امسال در تحت تقاضا و نظریات کمیسیون
محترم تعدیل کرده اند يك میلیون و ششصد هزار تومان
را به هفتصد و پنجاه هزار تومان خودشان تعدیل کرده
اند. چون یکی از وسایل کسر کردن بودجه
يك قدری هم کسر کردن اتومبیلها بود. اداره ارزاق
از نقطه نظر بودجه اداری و بودجه انتفاعی که بودجه
خرج و این چیزها باشد يك قلم عظیمی داشته ...

کازرونی - بچوب بچاب بوده

وزیر مالیه - حالا بنده قلمش خاطر من نیست و بطور قطع
نمیتوانم عرض کنم. اینها را البته باید خیلی کوچک
کنیم و روی يك اسلوب و شالوده که نماینده محترم
آقای یاسائی اشاره کردند توافق نظر بین کمیسیون
بودجه و بنده حاصل شده و دستور العمل دادم که

اداره ارزاق را تبدیل بیک اداره انباری بکنند و بودجه آن و شعبات آن متناسب به مقصود بشود و امیدوارم که خیلی خوب و زود تشکیلات جدید را بیک بودجه مناسبی بنده به کمیسیون بودجه تقدیم کنم و شاید برای امروز عصر یک قسمتش اگر حاضر شده باشد تقدیم خواهم کرد و الا در هفته آتی به کمیسیون تقدیم خواهم کرد قسمت حمل و نقل را هم در تحت مطالعه گذاشته ایم و مشغول فکر هستیم که آنرا هم ضوری بکنیم که اقبالاً ضروری از این باب عاید خزانه دولت و عواید عمومی مملکت نشود و اگر انشاء الله موفقیتی بنده خیر پیدا کنیم خیلی خوب خواهد بود. روزی مرفقه گمان میکنم در اطراف این قسمت توضیحاتی بیشتر از این نبود که بعرض آقابن برسانم. بنده خودم مدتی است اوقاتم را صرف این میکنم که با موافقت و تبعیت کمیسیون بودجه این مسائل روشن شود و نظری که اتخاذ کرده ام این است که تا گذشته را از آتی بکلی تفکیک نکنیم یعنی برای آینده یک تشکیل و شالوده جدیدی ترتیب و این وضعیت فعلی را بآن حال نحویل نکنیم و محاسبات گذشته را در تحت نظریک کمیسیون و یک عده مأمورینی برای تسهیل عمل نگذاریم این فکر عملی نمیشود و روی این فکری که بنده دارم کار میکنم کمیسیون هم موافق است و امیدوارم انشاء الله بتوانیم تشکیلات را زودتر ولی محاسبات را متناسبانه دیرتر روشن کنیم

نایب رئیس - آقای باسائی

باسائی - فرمایشات حضرت والا در جواب بنده در قسمت بود. یک قسمت راجع به تعدیل بودجه ارزاق بود. همانطور که فرمودند یک توافق نظری بین وزارت مالیه و اعضاء کمیسیون بودجه حاصل شده است که بودجه اداره ارزاق و سرویس حمل و نقل باید خیلی کمتر از این باشد و بیک صورت بهتری در بیاید ولی در مسئله را بنده انتظار داشتم که جواب روشنتری وقانع کنندهتری به بنده مرحمت کنند. جوابهاشان

غالباً تردید آمیز بود. یکی راجع محاسبه گذشته. محاسبه گذشته اداره ارزاق را کی باید رسیدگی کند؟ سؤال نیست؟ بالاخره کمیسیون بودجه که نمیتواند مستقیماً وارد شود. خود دولت، وزیر مالیه مسئول است که حساب گذشته اداره ارزاق را روشن بکند و بطور قطع و یقین بگوید که اداره ارزاق اینقدر مقروض است و این قدر موجودی دارد. در قسمت قرض اداره ارزاق هم فرمودند که اینقدر قرض دارد یعنی پنج میلیون و سیصد هزار تومان. ولی در قسمت موجودی جوابهایی که دادند بطور تردید بود. دیگر اینکه فرمودند در حدود یک کرور مطالباتی است که اداره ارزاق از ولایات دارد و یک رجوعی است که پیش مردم مانده است و تکلیفش معلوم نیست ولی خوب ندانند که چه تصمیمی گرفته اند برای وصول آنها. بالاخره اداره ارزاق مرتباً یک وجوهی از بانک و خزانه گرفته است. یک فرع معینی و وابستی این فرع را بالاخره خزانه مملکت بدهد ولی این پولها را مأمورین ارزاق برده اند در ولایات ولو کرده اند میان مردم و مشغول معامله هستند. سؤال این عملیات چیست؟ و بالاخره چه تصمیمی حالا اتخاذ کرده اند که این پولها وصول بشود و زودتر قرض اداره ارزاق پرداخته شود؟ دیگر اینکه فرمودند که این قروض ارزاق را باید از کجا پرداخت! آیا فکری دولت کرده است؟ این یک چیز کوچکی نیست و خیلی مهم است و هرچه زودتر در این باب دولت تصمیمی بگیرد گمان میکنم بهتر باشد.

وزیر مالیه - بنده تصور میکنم که جواب و توضیحات این قسمت ثانوی فرمایشات نماینده محترم در ضمن عریض اولی بنده بود زیرا خودم عرض کردم که متأسفانه این حساب یک حساب مرتبی نیست اگر مرتب بود میقتیم این حساب را میگذاریم جلو و رسیدگی میکنیم حالا میفرمائید سؤال مرتب نمودن این حساب و این اوضاعی که این دوسه ساله جریان داشته است چیست؟ این به عهده بنده و بالاخره باید این حساب را معلوم کنم، یک

پولهایی داده شده است و یک چیز هائی خریداری شده است. این حساب را بنده بوسیله مأمورین مخصوص و بوسیله یک کمیسیون رسیدگی میزنم ولی رسیدگی آنها آسان نیست زیرا طرز فی زوید است یکی دیگر فرمودند که این قروض را از کجا باید بدهیم؟ بنده عرض کرده که خزانه دولت به یک اداره دیگر دولت یک پولهایی داده. از کجا داده است؟ از عایدات مملکتی، یکجا باید برگردانیم؟ به عایدات مملکتی باید یک قسمت آن را از جنس هائی که موجود است بفروشیم و پولش را بدهیم ولی اگر این کار را نمیکنیم برای این است اگر این کار را بکنیم باید یک پول جدیدی بدهیم که باز گندم بخرند. پس باید این پول همیشه آنجا باشد که مرتب گندم بخرند و به خباز بدهند پس روی همرفته و بطور کلی باید دانست که توفیقی که دولت میخواهد اداره ارزاق طهران نگاهدارد یک مقدار نامه جودی صندوقش جنس است و معادل یک میلیون دو میلیون عوض موجودی نقدی که در خزانه دولت باید باشد در این جنس خواهد بود و این مقدار همیشه سرمایه جاری معامله خواهد بود بین خزانه و ارزاق و بعد از مبلغ خرید و فروش جنس هر چه مازاد آن بشود بیستی بعد از آنکه حساب روشن شد از یک چیز هائی که وصولی است باید گرفت و به خزانه رد کرد و یک قسمت دیگر که غیر وصولی است (حالا یک میلیون بادو میلیون با هر چه باشد) باید بخرج دولت گذاشت.

نایب رئیس - آقای فهیمی: شما هم سؤالی داشتید؟ فهیمی - بعد از سؤال آقای باسائی و جوابی که فرمودند دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای شبروانی هم سؤالی در جمع به همین موضوع است؟ شبروانی - بله. حالا که جواب فرمودند دیگر عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای رفیع سؤالی داشتید راجع به صاحبان بازار اطراف گیلان؟ حاج آقا رضا (رفیع) - خبر آن سؤال را کرده سؤال دیگری است، اجازه میفرمائید عرض کنم؟ نایب رئیس - بفرمائید. رفیع - گرچه یک تلگرافی به بنده رسیده است از گیلان که در این موارد بنده سؤالی نکند و عریضه جت شکایت را به وزارتخانه ندیم برای اینکه عین آن تلگرافات را برمیگردانند به محل و آنها را برحمت میاندازند. حتی بنده یک سؤالی کردم راجع به رضی که باسم خالصه گذر دریا است و دکاکین مردم را ضبط کرده اند آقای وزیر مالیه وعده فرمودند که تلگرافی میکنند و این کار را معوق میگذارند، اخیراً تلگرافی از بندر پهلوی به بنده رسیده است که بهمان شدت باقی است و بر اثر همان نطق بنده در مجلس مشغول شده اند و یک املاک پنجساله و صد ساله مردم را متصرف شده اند. سؤال فعلی بنده راجع بگمی رانی است که اول باید از آقایان نمایندگان سؤال کنم بعد از آقای وزیر مالیه، بنده از آقایان میپرسم که اگر در خیابان شاه آباد یک درشکه میخواهد حرکت کند بالاخره باید دولت جلوی درشکه کرایه و شخصی را بگیرد و بگوید که شما حق ندارید مسافر حمل کنید و من باید خودم درشکه بگذارم و مسافر حمل کنم، اینطور است؟! البته تصدیق میفرمائید که خیابان بارودخانه چندان فرق ندارد. دولت میگوید خیابان مال من است و رودخانه هم مال من است. رودخانه سفیدرود سرازیر میشود از منجیل می آید به سفید کتله میرسد به کیسب بعد میرسد به حسن کیاده و میرود بدریای خزر دو طرف این رودخانه املاک مرده است. مردم این ده میخواهند بروند به ده دیگر، مرکوب خودشان، گمی خودشان را کرجی خودشان را که میخواهند سوار شوند با کرایه بدهند دولت مانع میشود، این طرف ملک مالک است، طرف

دیگر هم ملک مالک و علاوه رود خانه سفیدرود هر ده سال یکمرتبه برخلاف عادت سرازیر میشود در ملک اشخاص و مجرای رودخانه تغییر میکنند و نیم فرسخ ملک مردم زیر آب میرود. با این حال وزارت مالیه قدغن کرده است که گمیرانی منحصر بدین است و چون در مجلس شورایی ملی مالیات گمیرانی را لغو کردیم ازین راه تحصیلدار مالیه یک راه دخیلی برای دولت پیدا کرده است و بهگوید کسی حق ندارد در صفحات کیلان ازین طرف رودخانه یک مسافر را حمل کند بطرف دیگر و اینکار مخصوص به دولت است. وزارت مالیه چند نگمی دارد و یک تومان و پنجهزار میگیرد و مسافری را حمل میکند. بنده در این موضوع خواستم از وزارت مالیه سؤال کنم که در این موضوع از روی چه قانونی مداخله میکند؟! آیا برای هر کاری مجلس شورای ملی باید رأی منفی بدهد؟! یا یک طرح قانونی باید بیاوریم پیشنهاد کنیم که مأمور مالیه فلان جا فلانطور رفتار نکند؟! بنده از این سؤالات خیلی متأسفم برای اینکه سؤال میشود و نتیجه نمی بخشد و گمان میکنم خطشان را نمی خوانند زیرا که یکمرتبه بنده سؤالی کردم و ایشان تلگرافی نموده بودند و نتیجه نه بخشید این بود. موضوع سؤال بنده.

وزیر مالیه - آقایان تصدیق بفرمایند که در اغلب قضایائی که نظیر این مسئله است، در مملکت ما یک قضایای شتر گاو و پلنگی میشود زیرا یک نظامات مرتب و یک سوابق و یک قوانین اساسی مدونی در جریان نبوده است. مثلاً قسمت های رودخانه یا قیامت های اراضی ساحلی یعنی اراضی که آب دریا بوده است و خشک شده، یا جنگلهای و از این قبیل مسائل که هنوز در مملکت ما بواسطه کمی احتیاجات صورت منظمی بخود نگرفته است گاهی اختلاف سلیقه و نظر در آنها پیدا میشود و تولید یک مشکلات اصولی میکنند. چنانچه در موضوع گمیرانی یک اعتراضی آقای

رفیع میفرمایند. و هیچکس نمیتواند منکر شود که هیچ اصولی برخلاف اصل مالکیت و آزادی کسب (میخواهد گمیرانی باشد یا چیز دیگر) نیست. اما از آنطرف ادارات وقتی مواجه میشوند با یک دستوراتی و از طرف دیگر هم برای خودشان یک وظایفی تصور میکنند این قبیل چیزها پیش می آید. مثلاً در جواب سؤال آقای رفیع که از اداره داده بودند (و یک قسمتش را بنده خودم تصدیق دارم و چون همه آنرا تصدیق نکرده ام میخواهم عرض کنم) آن قسمتش را که تصدیق دارم عرض میکنم در یک محلی که معبر عام باشد فرضاً خیابان شاه آباد که فرمودند درشکه میرود یا فرض کنید گمیرانی رودخانه سفیدرود گاهی یک مشکلاتی ایجاد میشود که باید یک نظمانی داد که مثلاً از دست چپ باید رفت باز دست راست باید آمد یا گرایه را از فلان مأخذ نباید بالا برد، یا از فلان مأخذ نباید بیشتر آدم سوار کرد اینها البته یک نظری است که نمی شود بکلی رد کرد و نظر دیگر که صحیح است و این اندازه حق مداخله و نظارت به مأمور دولت میدهد وقتی است که به منافع دولت بخواد صدمه برسد اما بایستی مسئله اولیه را که راجع به تنظیمات است مأمور دولت آراوسیه قرار دهد و بخواد آنرا یک محل عایدی بکند و از آن راه یک عوائدی برای دولت تهیه بکند. اما در قضیه اول که قضیه تنظیم و قضیه محدود کردن و قضیه حفظ منافع و مصالح مردم است باید البته این اصل حفظ شود و ضرری هم ندارد اخیراً مطالب مطابق آنچه که خود اداره (قبل از آنکه بنده چیزی در این موضوع نوشته باشم و در تعقیب مکاتباتی بوده است که آقای رفیع به اداره و یا به بنده فرموده بودند) نوشته این است که قضیه عایدی و اجاره را که میگرفته اند موقوف کرده اند و فعلاً معتقد شده اند و بنده هم این نظر را تأیید خواهم کرد این است که نظامنامه از نقطه تنظیم و از نقطه نظر همان نظارتی که عرض کردم با اطلاع خود مردم بنویسند و اجراء کنند

بدون آنکه مزاحمتی برای مردم فراهم شود و آنوقت هم مقصود شما که زحمت وارد نیامدن مردم از این راه و آزادی کسب است حاصل میشود و هم مقصود دولت که نظارت در تنظیمات است حاصل خواهد شد.

نایب رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرض کنم، آقا فرمودند اگر یک پولهایی گرفته میشود (و مساعد بودند با گرفتن آن) از نقطه نظر تنظیم است که از این راه برو و از آن راه نرو. بنده عرض میکنم از نظریه شهرها میتواند دستور بگیرند و بدون بنده مالیه پول بگیرد همانطور که نظریه به درشکه چی ها میگوید به آنها هم بگویند فلانطور کنید بدون این که مأمور مالیه دم رودخانه بایستد و چیزی بگیرد این کار ربطی به پول گرفتن ندارد. شما چرا مردم را از حقوق خودشان محروم میکنید؟! و محروم میکنید که در کمیته خودشان مسافر ببرند؟ این حق را ندارید. البته وقتی یک وزارت خانه به مأمورین خودش گفت که هر کس ده تومان پنج تومان اضافه عایدی درست کرد فلان مبلغ به او اضافه حقوق میدهم این شخص میرود و یک عایدی اینطورها درست میکند. بنده عرض میکنم هر کاری را که شما میخواهید در مملکت بکنید آن مجلس شورای ملی هست باید اول بیاورید بنده مجلس شورای ملی و مطرح شود وقتی که رای داد آنوقت شروع کنید و مخصوصاً بنده تقاضا میکنم که از طرف وزارت مالیه قدغن بشود که یک دینار از مردم مأمور مالیه حق گرفتن ندارد و هر کسی برای راندن گمی خودش آزاد است.

نایب رئیس - چون عده کافی نیست اگر آقایان

اجازه میدهند چند دقیقه تنفس داده شود؟ (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله ساربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

وزیر مالیه - در تبصره اول لایحه دو دوازدهم که از مجلس گذشته است بواسطه یک عبارتی که در آنجا هست یک اشکالات قانونی در اداره پیش آمده به این ملاحظه

بر طبق يك لايجحه اصلاح تبصره اول قانون دو دوازدهم اردی بهشت و خرداد را بنده تقاضا میکنم. يك لايجحه هم راجع به دو دوازدهم تیر و امر داد است تقدیم میشود. نایب رئیس - مراجعه بکمیسیون بودجه میشود.

آقای روحی پیشنهاد فرموده اند خبر کمیسیون محاسبات راجع به تعمیر مقبره فردوسی در اول دستور واقع شود مخالفی نیست؟

(گفته شد. خبر)

نایب رئیس - ماده واحده قرائت میشود.

(مضمون ذیل خوانده شد)

ماده واحده - مجلس شورایی ملی به اداره مباشرت مجلس اجازه میدهد از صرفه جوئیهای بودجه هذمه اسفند ۱۳۰۶ مجلس شورایی ملی آخر سنه مزبور مبلغ بیست هزار تومان برای ساختمان مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی در طوس اختصاص دهد. توسط انجمن آذر می علاوه بر وجوه اعانه مأخوذ از این اسم مطابق نقشه که انجمن آذر می تهیه میکند به نظارت اداره مباشرت مجلس بصرف برسد.

مقبره - از درختی که اداره مباشرت مجلس حاضر بودن وجه را انجمن آذر می اخطار نماید انجمن مزبور مکلف است در ظرف دو ماه ساختمان مقبره را شروع نماید

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - البته همه آقایان بزرگی مقام حکیم ابوالقاسم فردوسی را میدانند بزرگی او را اشعار عالی شاهنامه شهادت میدهد و خدمات ایشان همه در نظر دارند و البته باید هر شخص بزرگی را که خدمت به مملکت کرده است خدمتگذاران مملکت خدمات او را محترم بشمارند. اما حالا به بینیم محترم شمردن خدمت به چیست؟ آیا باین است که بیست هزار تومان یا ۲۰ هزار تومان از مردم گرفت و بجهت او یک مقبره ساخت؟ البته این مقبره که ساخته میشود به ۲۰ هزار تومان عالی یا صد تومان تعمیر میخواهد و

شود بعد ها خوانده خواهد شد و ملتفت میشوید که بنده ملتفت بوده که يك عرضی را میکردم تاخیر لاین شعور عرض کردم. این بود مخالفت من.

روحی - (مخبر کمیسیون محاسبات) عرض کنم. مقام با عظمت فردوسی بزرگتر از هر گونه تعریف و توصیف است که بنده بخوام عرض کنم. اینکه آقا فرمودند که مقبره مستحفظ میخواید و باید آنجا را حفظ کرد. عرض میکنم: يك انجمنی است باسم انجمن آثار ملی که این خدمات را تعهد کرده است و البته غیر از مقبره فردوسی حفظ سایر آثار ملی را هم تعهد نموده است و اگر هم بتواند يك کمک هائی از مردم بگیرد و اگر هم محتاج شد لابد يك کمکی از دولت خواهد گرفت و ما نمیتوانیم يك چنین بنائی را معلق بگذاریم برای اینکه کی آنرا حفظ میکنند؟ همانکه مملکت را حفظ میکنند، همانکه سایر چیزها را حفظ میکنند، این مقبره را هم حفظ خواهد کرد. يك قسمت از فرمایشاتشان این بود که این مبلغ از کجا داده خواهد شد در مملکتی که برای بیست هزار تومان خرج مقبره فردوسی بخوانند اینقدر سخت گیری نکنند و مجلس را تهدید نکنند به اینکه ممکن است استقراری پیش بیاید و دست بطرف اجنبی دراز کنیم بنده نمیدانم چطور می شود این فرمایشات را تصدیق کرد؟ من تصور می کنم برای این بیست هزار تومان نه هیچ قرض پیش بیاید و نه دست پیش بیکانه دراز کردن، بلکه از محل صرفه جوئی های مجلس داده می شود، آقای حاج حسن آقاملك الان وکیلند و سه ماه است حقوق نگرفته اند از این محل ها داده می شود و مربوط به هیچکس نیست تصور بفرمائید ایشان حاضر بودند و حقوقشان را می گرفتند در کمیسیون هم این موضوع را بنده باقی فیروز آبادی عرض کردم و تصور نمی کردم که دیگر در مجلس اظهاری بفرمایند و هیچ انتظار نداشتم زیرا در کمیسیون عرض کردم که این مخالفت ها خوش آیند نیست. مسائل دیگر پیش می آید که اگر

بخواهید صرفه جوئی کنید میتوانید در بودجه و يك چیز های دیگر صرفه جوئی بکنید. و علاوه منفی باقی را بنده نمیدانم آقا چطور تشخیص داده اند در تمام قضایا عقیده حضرتعالی منفی است بالاخره آنها هم حدودی دارد، وقتی که بودجه آمد هر چه شما از این فرمایشات بفرمائید بنده باشما شریکم، شهریه بیاورند بفرمائید ندهند ولی راجع به قبر فردوسی خوش آیند نیست و این بیست هزار تومان را باید با نهایت طیب خاطر داد و این مبلغ در مقابل خدمات او کوچکترین پاداش است.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده میخواستم بعنوان مخالفت به آقای فیروز آبادی عرض کنم که خدمات فردوسی خیلی بیشتر از این چند هزار تومان پیش ما قیمت دارد کسی که میگوید:

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم از این باری

امروز روح ایران زنده است از این خدمت و به این اشعار، حقیقه بالاترین خدمت برای حفظ بقای ایران قدر دانی از خدمات این شاعر بزرگ است که حقیقه هم شیعیه بوده است. من نمیخواهم وارد این موضوع بشوم و نمیتوانم از خدمات این حکیم بزرگ قدر دانی کنم بنده که مته بخشش می گذارم حاضر هستم که از خودم صد تومان بدهم برای اینکه معلوم شود ملت ایران قدر دان است نسبت بکسانی که در راه استقلال و ترقی معارف این ملت قدم برداشته اند، البته حضرتعالی هم آزادید عقیده نیستید ولی بنده عرض میکنم آن کسانی که خدمت برای استقلال مملکت و ملت کردند باید ما فدای آنها بشویم تا سر مشق برای دیگران بشود ولی يك نکته را بنده عرض میکنم راجع بانجمن آثار ملی که هیچ رسمیت

ندارد. مجلس شورای ملی بدولت رسمیت میدهد آقایان: مسؤل ما دولت است. انجمن فلان، سوسیته فلان....

نایب رئیس - در باب کفایت مذاکرات بفرمائید.

آقا سید یعقوب - اجازه میدهید عرض کنم. اجازه نمیدهید عرضی ندارم. بنده از اخطار میترسم نایب رئیس - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد

(آقا سید یعقوب از محل خود بطرف کرسی نطق حرکت نمودند)

نایب رئیس - (خطاب به آقا سید یعقوب)

نوبت شما نیست. آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

نایب رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - موافقم.

نایب رئیس - آقای افسر

افسر - بنده نوبت خودم را به آقای آقا سید یعقوب میدهم.

آقا سید یعقوب - اولاً بنده آروز عرض کرده که بقدر امکان حفظ مقام مجلس را می کنم.

بنده که اجازه خواستم خیال کردم که بعد از اجازه آقای فیروز آبادی است این بود که بنده باشدم سر بنا و خواستم صحبت کنم، عقیده بنده در این موضوع خیلی روشن است، قانون اساسی و اساسی که ما باید مطابق آن اساطیر رفتار کنیم این است که مجلس شورای ملی در مقابلش دولت مسؤل است، اگر دولت بخواید برای اجرای يك قانونی کسی را تحت نظر بگیرد من مخالف نیستم، ولی وزراء در مقابل ما مسؤل هستند

اگر امروز ما تشخیص دادیم که فردا از صرفه جوئیهای مجلس بیست هزار تومان خرج شود و انجمن آثار ملی عمل نکرد بنده که يك نفری هستم میخواهم سؤال کنم از که سؤال کنم! سؤال بنده کی است؟ بنده عقیده ام این است که خود اعصابی کمیسیون هم قبول بفرمایند و يك وزیر را سؤال قرار دهند، «بوزیر معارف» یا وزیر فوائد عامه (چون این کار از امور عام المنفعه است) یا وزیر مالیه را که اگر این عمل نشد يك کسی باشد که سؤال نمایندگان باشد. يك مسئله دیگری که میخواهم عرض کنم اینست که حالا که مجلس يك قسمی برداشته است نکته را که آقای فیروز آبدی بیان کردند و درست اندا فرمودند در نظر بگیرد و من فوق العاده علاقه دارم که بنامی درست میشود محفوظ بماند و اصل مسلم محفوظ ماندن بناء است و اینرا معلوم نکرده اند که چگونه محفوظ میماند و وقتی انشاء الله ما موفق باین کار شدیم چطور باید نگاهش داریم. بنده این مطلب را در يك کتاب خود نوشته ام که رقم سبز قبر مولوی دیدم مقبره مولوی بقدری مزین و بقدری مطمئن را بشوکت است لکن مقبره استاید ما بهیچوجه اهمیت داده نمیشود، این یکی از دردهائی بود که در دل بنده همیشه بود و میخواستم بکروزی برسد که عرض کنم انشاء الله اگر ما موفق به این کار شدیم اولاً باید معلوم شود که کی سؤال است و ثانیاً برای اینکه در آئید هم محفوظ بماند باید در نظر گرفته شود که حفظ آن بچه صورت است.

نایب رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنده در این موضوعی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند خیلی متشکرم. البته وظیفه ایرانیان است که نسبت به يك چنین موضوعی علاقه مند باشند و باید خیلی افسوس خورد که در این کار غفلت شده است و چنین کار مهمی بتأخیر افتاده است. در این موقع که انجمن باسم انجمن آثار ملی از يك سلسله مردمان فاضل با تقوی برای حفظ آثار تاریخی ایران بر پا شده

است، البته وظیفه مجلس شورای ملی هم این بود که کمک و مساعدت به آن انجمن بکند شاید انشاء الله زودتر موفق به این قبیل کارها شوند. ولی اعتراضی را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند این بود که انجمن آثار ملی نمیتواند در مقابل مجلس سؤال باشد و باید دولت سؤال باشد. بنده عرض میکنم اگر توجه بفرمائید این انجمنی است که تأسیس شده برای يك سلسله کارهایی و یکی از آنها تعمیر مقبره فردوسی است البته وزارت معارف از نظر وظیفه و نظارتی که در این قبیل مسائل دارد خصوصاً مسؤلیت دارد که این قبیل کارها را نظارت بکند و بعلاوه مخصوصاً در این لایحه هم تأیید شده است که باید در تحت نظر اداره مباشرت مجلس شورای ملی باشد اما اینکه فرمودند چطور مراقبت میکنند و حفظ میشود عرض میکنم يك انجمنی برای این کار تشکیل شده است و يك اعانه های زیادی هم از اطراف جمع آوری شده است البته این انجمن عهده دار تعمیرات این مقبره خواهد شد و بعلاوه امروز مسئله ساختمان مقبره مطرح است نه خارج نگاهداری چنانچه انجمن آثار ملی محتاج شد که يك کمک هم از این حیث بخواند دولت و مجلس شورای ملی چنانچه در این امر موافقت کرده اند در آن کار هم موافقت خواهند کرد. در هر صورت این مسئله را نباید دخالت داد به موضوع ساختمان مقبره. عجزاً مجلس شورای ملی این شرکت را در تأسیس مقبره فردوسی میکند و البته اگر در آئید هم لازم شد برای مخارج نگاهداری مقبره کمک خواهد کرد.

وزیر مالیه - البته این امر بزرگی را که آقایان نمایندگان محترم مقدم و پیش قدم شده اند بهترین کارها است و محتاج به این نیست که در اطراف آن هیچ نوع بحثی بشود و هر قدر دانی که بشود کافی نیست و خود این عمل قدر دانی است. يك اشکالی در این جا هست و آن راجع به قسمت فورمالیته است راجع باینکه این خرج را که انجمن

آثار ملی میکند چه صورتی خواهد داشت کی مسئول است؟ آیا دولت مسئول است؟ در این جا باید يك تذکری عرض کنم و آن این است که انجمن آثار ملی يك انجمنی است که هیچ جنبه دولتی ندارد بلکه فقط يك جنبه معارفی و ذوقی و ملی دارد. و البته در موقع انجام وظیفه در يك قسمت های کارش ممکن است مربوط بشعب دولت و وزارتخانه ها بشود و مخصوصاً ارتباطش با وزارت معارف خیلی است و در خیلی از قضایا با وزارت معارف ارتباط و مکاتبه داشته و در دولت هم از خدمات این انجمن قدر دانی کرده و در هر موقع که انجمن لازم دانسته است دولت يك کمک های مالی هم باو کرده. بنده چون خودم عضو انجمن آثار ملی هستم بنام انجمن از دولت های وقت که وسایل پیشرفت کار را فراهم کرده اند تشکر میکنم انجمن آثار ملی قریب یکسال است که در این قسمت مشغول کار است و برای ساختن مقبره فردوسی اهتمامی کرده و يك اعانه های هم جمع کرده و يك پول هائی الان برای اینکار موجود دارد. ولی البته آقایان میدانند این پولی که انجمن زحمت فراهم کرده برای این مقصود کافی نیست. و محتاج به يك کمکی است و البته بهتر این است که از يك محلی که محتاج به پیشنهاد تصویب هیچکس نباشد فراهم شود و از این جهت از محل خود مجلس شورای ملی و حقوق شخصی آقایان نمایندگان در نظر گرفته شد که باین وسیله از صرفه جوئیهای حقوق آقایان نمایندگان يك کمکی برای ساختمان و تکمیل لوازم مقبره مرحوم فردوسی تهیه بشود. این راه باید عرض کنم که البته مجلس شورای ملی در جمع مسائل پولی و بودجه مختار است ولی مسلماً این حق را از نقطه نظر بودجه مجلس و در قسمت حقوق خودشان زیادتر است باین جهت اینطور در نظر گرفته شده که در تحت نظارت اداره مباشرت مجلس باشد و مناسبت این مسئله هم این بود که این پول مال خود مجلس و جز و صرفه جوئی مجلس است هیچ مانع و محظور قانونی ندارد. اما از ذکر این جمله که: «انجمن

آثار ملی این کار را میکند» آقایان نباید هیچ ابنا و امتناعی داشته باشند. زیرا بهترین وسیله عملی شدن این کار همین است که توسط این انجمن بشود فرضاً هم که دست دولت باشد و دولت بخواند اینکار را بکند باز توسط این انجمن خواهد کرد از طرف دیگر ذکر این جمله که در تحت نظر اداره مباشرت این پول خرج خواهد شد اینهم کاملاً منطقی و از روی فلسفه است. برای اینکه این صرفه جوئی مال خود مجلس است. و البته اداره مباشرت مجلس هم باید نظارت داشته باشد حالا اگر بعضی از آقایان میل داشته باشند که از نقطه نظر جنبه معارفی که اینکار دارد وزارت معارف یا وزیر معارف را هم در این موضوع دخالت بدهند این هم يك مسئله است. ولی به عقیده بنده این دخالت يك لزام قانونی نیست برای اینکه این جور مؤسسات را همیشه باید تشویق کرد. و این یکی از مسائل اصولی است که ما باید همیشه سعی کنیم که مؤسسات خصوصی را در مملکت تشویق کنیم و نباید ملت و مردم خودمان را همیشه طوری تربیت کنیم که اینها يك شعبه و ماشین ادارات باشند و هی بر تشکیلات اداره و وزارتخانه افزوده شود. بلکه باید يك کاری بکنیم که افراد این مملکت خودشان هر کدام به تناسب ذوق و فکر خودشان دور هم جمع شوند و مسائل عام المنفعه را در نظر بگیرند و راجع باین نوع مسائل مفید عام المنفعه تشریک مساعی کنند و حالا اگر در مملکت ما یکی دو مورد هم از این قبیل مؤسسات پیدا شود باید با کمال شوق و شعف با آنها کمک کرد تا نتایج بدست آید که اسباب تشویق دیگران باشد. وقتی يك عده بنام انجمن آثار ملی آمدند و دور هم جمع شدند و زحمت کشیدند و یکسال وقت صرف کردند و برای يك مسئله مفیدی اهتمام کردند باید مجلس شورای ملی هم با آنها کمک کند تا در نتیجه این کمک مقبره فردوسی با يك عظمتی ساخته شود. البته هیچ عظمتی را ما نمی توانیم با مقام بزرگ او برابر بدانیم ولی قدری

که امروزه در وسع مساهاست این انجمن میخواهد این مقبره را بسازد و در اینصورت البته او را بیدنشویق کرد تا نظائر این کارهای مفید در مملکت زیاده شود. ما نباید همیشه خودمان را گرفتار بک فرمالیته هائی بکنیم که بعد دچار زحمت شویم باین جهت همین نظریه که فعلاً اتخاذ شده خیلی خوب است و بهترین راه عملی شدن هم همین است و چون آقای آقا سید یعقوب مناسبت یکی از اشعار فردوسی را قرائت فرمودند بنده هم مناسبت بک شعر دیگر فقید مزبور را عرض می کنم که می گوید:

بزرگی سراسر به گفتار نیست

دو صد گفته چون نیم کردار نیست

نایب رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض میکنم چون این لایحه از لواج دولتی نبود بنده فهمیدم حضرت آقای وزیر مالیه به چه نظر از آن دفع فرمودند. در هر صورت با این لایحه کاملاً موافقم و اگر بک مبلغ زیادتری هم بود بنده موافقت میکردم. زیرا این شخص بزرگ خیلی خیلی پیش از اینها حق بگردن ما دارد و ما باید همیشه و همه روزه خدماتی که بزرگان مملکت ما باستقلال و حیثیات و شرافت ما و نسبت برنده کردن اساس زبان آباء و اجداد ما بنذل مساعی کرده اند در نظر بیاوریم و از آنها قدردانی کنیم اگر بک صدائی هم در این جا بلند شد راجع باین بود که این انجمن آثار ملی با اینکه بنده هم میدانم مشکل از بزرگان و سنابید قومند و تمام افراد این انجمن قابل اعتماد سهل است که اگر فوق اعتماد هم لفظی بود بایستی در باره ایشان اطلاق شود. ولی مجلس شورای ملی باید همیشه اوقات اصول را رعایت کند بواسطه اینکه این مورد بک مورد فوق العاده مهمی است. البته افراد طرف اعتماد و رأی هم در باره شان داده میشود ولی ممکن است فردا طور دیگری پیش بیاید و این بک سابقه بشود و از این پیش آمد سوء استفاده شود. ولی در مقابل

مجلس دولت مسؤل است و پول هم جزو پول خزانه عمومی مملکت است و در قسمت اجرائیاتش دولت مسؤل است لیکن آقای ارباب بک تذکری دادند و فرمودند که این پول منحصرأ اعانه است و ما نباید اسم آن کسی یا آن محلی که این اعانه باو داده میشود ذکر کنیم فرضاً اگر این طور هم باشد باز نه این است که مسؤل ما در مقابل این پول انجمن آثار ملی باشد. اگر در تحت این عنوان که ما اعانه میدهیم برای تعمیر مقبره مرحوم فردوسی علیه الرحمه بتوسط بک شخصی که طرف اعتماد این پول اعانه را بآنها میدهیم بنده هم موافقم ولی اگر غیر از این است باین معنی که اگر انجمن آثار ملی در مقابل ما مسؤل نیست پس خوب است آقایان هم باینده موافقت بفرمایند که بک همچو سابقه گذاشته نشود.

نایب رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - در جواب آقای فیروزآبادی گرچه آقایان دیگر هم اظهاراتی فرمودند ولی بنده هم در کمیسیون خدمتشان عرض کردم. ما همه وقت در موقع حرف همه چیز میگوئیم. ولی هر وقت که بعمل نزدیک میشویم مسئله را بطرفه میگذرانیم. همیشه میگوئیم قدر خدمت و خیانت را باید دانست در مقابل خدمت باید قدر دانی کرد و در مقابل خیانت باید مجازات کرد. ولی موقع عمل که میرسد مشکلات بر میخوریم. بنده در آن جلسه که این طرح را تقدیم کردم عرض کردم در حد خودم نمی بینم که راجع مرحوم فردوسی چیزی عرض کنم. برای اینکه کسی که زنده کننده بک ملت و مملکتی بوده است حرف زدن بنده در قبال او جز توهین بآن شخص چیز دیگری نیست. در مملکت خرج خیلی زیاد میشود بنده عرض میکنم بک قسمت عمده از خرجهای که میشود در واقع تلف میشود. ولی این جور خرجهای تلف نمیشود و برای مملکت باقی میماند. این جواب فرمایش ایشان. اما راجع باین قسمت که آقای کازرونی فرمودند بنده عرض میکنم چون مجلس در ضمن بودجه

خودش بک اعتباری با اداره مباشرت داده است و در ضمن آن اعتبار اجازه این کمک را هم میدهد از همین نقطه نظر که این پول متعلق به مجلس است اجازه داده که این خدمت اساسی و ملی را شروع کنند و برای اینکه آقایان نمایندگان محترم مطمئن باشند که اداره مباشرت این کمک را خواهد کرد این است که اینطور نوشته شده. بنده عرض میکنم که اداره مباشرت در اینکار نظارت میکند زیرا همان طوری که آقای کازرونی فرمودند اشخاصی که در این انجمن آثار ملی عضویت دارند جای تردید نیست که هر بک از آنها قابل همه گونه اعتمادند. آنها داوطلب انجام این خدمت شده اند برای اینکه آثار ملی را حفظ کنند این انجمن تصمیم گرفته که در هر جا که آثار ملی موجود است از قبیل مقبره فردوسی یا جای دیگر در هر کجا که هست آنرا حفظ کنند و محفوظ بدارند و حالا برای اینکه باین انجمن کمک شده باشد تا بتواند این مقصود را انجام دهد این طور در نظر گرفته شده یعنی کمیسیون این طور صلاح دیده که این مسئله را بصورت قانونی در آورد و اداره مباشرت هم نظر باینکه این پول مال مجلس است نظارت خواهد داشت و باین توضیح دیگر بنده اشکالی در این جا نمی بینم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی از نمایندگان - بلی) پیشنهاد آقای باسائی قرائت میشود (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از (مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی) اضافه شود (تعمیر مقبره خیام در نیشابور.)

نایب رئیس - آقای باسائی

باسائی - عرض میکنم مقبره حکیم خیام واقع است در نزدیکی قریه معموری در نیشابور و نزدیکی امامزاده محمد محروق که بک جای خیلی باصفائی است و گویا مرحوم

نیرالدوله آن مقبره و امامزاده را تعمیر کرده است. مقبره خیام که در نزدیکی آن امامزاده واقعست خیلی بد نماست. کاراً بنده آنجا رفته ام و هر وقت رفتم حقیقتاً متأثر شده ام و هر خارجی که به آنجا میاید و این منظره را می بیند متأثر میشود باینکه میدانید رعیت و اشعار حکیم خیام در اروم چقدر مورد تقدیر است و با اینکه ساختمان این مقبره چندان خرجی ندارد چرا ما باید در اینکار بی اعتنائی کنیم. زیرا ساختمانی که امامزاده دارد تقریباً ابرو مندا نه است و تعمیر مقبره فقط بین پانصد و هزار تومان خرج دارد تبصورت خوش در آید. از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که از این مبلغ بیست هزار تومان ضمناً تعمیر مقبره حکیم خیام هم بعمل آید. اینکار خرج زیادی لازم ندارد. اگر می خواستیم بک مقبره مخصوص برای او درست کنیم البته زیاد خرج داشت ولی چون در جوار و قرب امامزاده واقعست که آن امامزاده ساختمان عالی دارد خرج زیادی ندارد و آن محل در بک جای با صفا و با تزهی است و در نزدیکی نیشابور واقعست و در مجاورت همان دهی است که خیام در او سکنا داشته است کاراً از طرف خارجی ها آمدند و اجازه خواسته اند که این مقبره را تعمیر کنند و دولت ایران بآنها اجازه نداده است. حالا که خارجی ها می آیند و میخواهند این مقبره را تعمیر کنند هیچ سزاوار نیست که خودمان این کار را نکنیم و باید دانست همان مفاخری را که حکیم ابوالقاسم فردوسی برای ما تهیه کرده همان مفاخر را هم حکیم خیام تهیه کرده است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که در ضمن این ساختمان تعمیر مقبره حکیم خیام هم بعمل آید.

نخبر کمیسیون محاسبات - عرض میکنم البته هیچکس منکر مقام ارجمند بزرگ خیام نیست ولی هرکاری را باید در موقع خودش کرد و ممکن است حالا بک نفر دیگر از آقایان پیشنهاد کند که مقبره ناصر خسرو را هم از این پول و اعتبار

تعمیر کنند. البته ما تمام اینها را باید پاداش بدهیم و از خدمتانی که بین مملکت کرده اند از آنها قدر دانی کنیم ولی حالا از رفیق محترم خودم آقای یاسائی تقاضا میکنم پیشنهاد شان را پس بگیرند و طرحی پیشنهاد کنند که از عایدات ۱۳۰۷ يك بناي باعظمتي هم برای مقبره مرحوم حکیم خیام ساخته شود. اولاً گهباں نمی کمم با پانصد تومان بشود يك مقبره را درست تعمیر کرد آنهام مقبره خیام که مقام ارجمندی را حائز است. پس بنده عقیده دارم فعلاً پیشنهاد شان را پس بگیرند. اداره مباشرت هم موافقت خواهد کرد که از صرفه جوئی های سال نو يك مقبره هم برای خیام بنا کنند خلاصه آنکه این پول جزئی قابل تقسیم و انقسام نیست و بهتر این است که فعلاً با این پول مقبره مرحوم فردوسی ساخته و تعمیر شود

نایب رئیس - آقای اریب

ارباب کیخسرو - آقای یاسائی در این خصوص قبلاً به بنده هم تذکر داده بودند ولی بنده خدمتشان عرض کردم که موضوع مقابر و آثار کلمیه اشخاص نامی و برجسته مملکت در انجمن آثار ملی مطرح است. انجمن نظر خاصی نسبت به فردوسی نداشته و آثار تمام اشخاصی بزرگ را مطرح کرده منتهی تصدیق میفرمائید که یکی یکی باید تمام کنند تا عملی باشد و دچار اشکال نشویم. بنده هم همان عقیده آقای روحی را دارم. خوب است آقای یاسائی برای اینکه مسائل با هم مخلوط نشود پیشنهادشان را پس بگیرند و بنده بایشان قول میدهم که انجمن راجع به همه این ها اقدام خواهد کرد و عنقریب ترتیبش را خواهد داد.

یاسائی - از نقطه نظر اینکه بنده میل دارم که هرچه زودتر این ماده واحده تصویب شود و ساختمان مقبره فردوسی بعمل آید پیشنهاد را مسترد می کنم در صورتیکه همه میدانند که انجمن آثار ملی از چه اشخاص محترمی هستند و از همین نظر است که ما اسم آنها را

نمی خواهیم ببریم. اینها يك اشخاص محترم هستند که نام خودشانرا میخورند و بما خدمت میکنند بدون اینکه مواجی بگیرند بنا میشوند و يك کارهای مفیدی برای مملکت صورت میدهند از این جهت موردی ندارد که آنها را مسئول قرار دهیم. بعقیده بنده مسئول وزارت معارف است. مسئول کسی است که آدم بتواند او را تحت سؤال و استیضاح قرار دهد. مشروط بر اینکه بكمك رفق يك طرحی تهیه خواهد کرد و آقایان هم روی بدهند که مقبره حکیم خیام هم درست شود.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای رفیع.

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بجای انجمن آثار ملی نوشته شود وزارت معارف.

رفیع - در این جا يك مذاکرانی نسبت به انجمن آثار ملی شد که تقریباً يك سوء تفاهمی برای بعضی از آقایان حاصل شد. مثل اینکه مجلس شورای ملی اعضاء انجمن آثار ملی را نمی شناسد امروزه انجمن آثار ملی مرکبند از يك اشخاص محترمی که همه ماها آنها را می شناسیم ولی چند سال دیگر ممکن است يك اشخاص دیگری پیدا شوند که نخواهند این کار را بکنند اگر فرضاً بنده از آنها پرسم چرا این کار را نکردید جواب میدهند مگر ما از شما حقوق میگیریم! ما فقط از نقطه نظر خدمت معارف و كمك بوطنان و برای حفظ آثار ملی خواستیم يك کاری بکنیم ولی موظف نبودیم. پس برای اشخاصی که موظف نیستند و حقوق ندارند مسؤلیت قرار دادن چیز خوبی نیست و به عقیده بنده نسبت به آنها سوء ادب است، مثلاً عامی مذهبی اگر راجع بیک موضوعی بنشینند و صحبت کنند مسئول ما نیستند آنوقت اگر ما بخواهیم آنها را مسئول قرار دهیم چیز غریبی است. زیرا خودشان دور هم نشسته اند و میخواهند يك کاری بکنند ولی الزامی ندارند

تا مسئول باشند بنا بر این مسئول قرار دادن این ها را گهباں نمیتکم کار خوبی باشد و زبات معارف مسئول این کار است منتهی البته در این قبیل امور برای جلب نظر يك اشخاصیکه سابقه دارند از این انجمن دعوت میکند و ناظر به آنها کار میکند ولی این مسئله مربوط باین نیست که ما برخلاف سابقه این انجمن را مسئول قرار دهیم. اگر این ترتیب بشود آنوقت فردا يك انجمن هی دیگری تشکیل میشود و يك اختیاراتی هم پیدا بآنها داده شود این برخلاف سابقه است. پس بهتر این است که وزیر معارف مسئول باشد.

روحی (مخبر) - عرض میکنم در همه جبه دنیا این قبیل مؤسسات هستند و همانطور که آقای وزیر مالیه توضیح دادند مردم باید جمع شوند و کارهای مفید عام المنفعه را صورت دهند. مثلاً دواوین شعرا را طبع کنند و آثار آنها را حفظ کنند. تازه پس از مدتهای زیاد که در مملکت ما انجمنی بنام انجمن آثار ملی برای حفظ آثار ملی تشکیل شده و مرکب از اشخاص لایق و کافی هستند و يك زحماتی کشیده اند ما باید آنها را تشویق کنیم بعلاوه چه ضرر دارد که ما باین ها رسمیت بدهیم زیرا این ها مبتکر این فکر بوده اند پیشقدم بوده اند و يك مبلغی هم غیر از این نیست هزار تومان پولی است که خود آنها جمع آوری کرده و بطور اعانه گرفته اند در اینصورت بنده عقیده ندارم که در سر این جزئیات اینقدر ما کشمکش کنیم علاوه اگر ماده ر درست دقت فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که اداره مباشرت در تمام این مخارج نظارت و مراقبت خواهد کرد و البته وقتی که يك هیئتی بنام انجمن آثار ملی از مردمان صالح تشکیل شد البته خودشان نمیگذارند که این پول بیخود خرج شود اینک فرمودند باید تحت نظر وزارت معارف باشد بنده تصور میکنم در اینصورت نقض غرض خواهد بود و می رسم فردا مورد اعتراض آقای فیروز آادی واقع شویم. زیرا برای اینکار ممکن است يك میز صندلی هائی

قرار دهند و مطلب صورت دیگری پیدا کند از این جهت استدعا دارم آقایان درست بعرض بنده توجه فرمائید و امیدوارم آقای رفیع پس از این عریض بنده پیشنهاد خودشان را پس بگیرند. و چون جزو نظامنامه رسمی انجمن آثار ملی مذکور است که وزیر معارف وقت همیشه عضو فتخاری این انجمن خواهد بود در اینصورت منظور ایشان تأمین خواهد شد و جی نگرانی نیست از این جهت شده استدعا دارم آقای رفیع پیشنهادشان را مسترد دارند که اسباب معطلی این لایحه نشود.

(در این موقع جمعی از آقایان نهانندگان از مجلس خارج شدند)

حاج آفریقا رفیع - بنده پس میگیرم.

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - بنده در باب وضعیت مجلس عرض دارم شیروانی - آقایان مبروند بیرون آن وقت میخواهند و میانند.

نایب رئیس - رأی میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای رفیع را قبل توجه میدهند قیام فرمایند. (معدودی قیام کردند)

نایب رئیس - قبل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل (بین عبارات قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده واحده پس از عبارت در طوس اختصاص دهد نوشته شود تا در تحت نظر انجمن آثار ملی علاوه بر وجوه اعانه مأخوذه باین اسم مطابق نقشه انجمن مزبور توسط اداره مباشرت مجلس بمصرف برسد.

عدل - عرض میشود در این جا يك مطلبی است که مخالفین اظهار میکنند و آقایان موافقین عرض میکنم حالیشان نمیشود ولی عرض میکنم قدری کافر ماجرائی میکنند. ما نمی گوئیم اطمینان به انجمن آثار ملی نداریم البته داریم و کارهای آنها را هم خیلی تقدیس میکنم و این مقبره را هم خیلی لازم میدانیم غیر از اینکه

میگوئیم اینکه شما می نویسید (انجمن مزبور مکلف است) این مکلف کردن در مقابل مسؤلیت است یعنی مسؤل را میشود مکلف کرد . مجلس شورای ملی مخارج را دو قسم ممکن است تصویب کند یکی وجهی است که برای اصلاحات مملکتی تصویب میکند و توسط دولت خرج میشود و در مقابل این تصویب مجلس و خرج البتة دولت مسؤل است و اگر کم و زیادتی بشود از هیئت دولت سؤال با استیضاح مؤاخذ میگیریم بلی هم هست که مجلس برای خودش تصویب میکند و برای اینکه هم هر شباهت به شش ماهه نفر مباشر انتخاب میکنند . نه این مسافر مباشر در واقع مسؤل مخارج هستند که اگر کم و زیادتی شد باید در مقابل نمایندگان توضیح دهند . حالا این انجمن آثار ملی يك شخص هیز و محترمی هم نامیده اند بلك فكر های عالی و يك نیت های خیلی خوبی يك کارهایی کرده اند . این پول را مجلس از خودش میدهد آقای حاج آقا رضا پیشنهاد کردند که وزیر معارف مسؤل باشد . این پول مال دولت که نیست نا وزیر معارف مسؤل باشد . این پول مال مجلس است منتهی پیشنهاد این بنا را انجمن آثار ملی کرده است ولی چون پول مال مجلس است و اداره مباشرت هم از مجلس است او باید این خرج را بکند . پس باید مباشر مجلس این خرج را بکند و آن روزیکه آقای ارباب این پیشنهاد را آوردند بنده میخواستم این مطلب را عرض کنم که ما اینرا تصویب میکنیم مشروط بر اینکه خود ارباب مباشر این خرج و عمل باشد و بنده تصور میکنم در میان آقایان کسی نباشد که در کفایت آقای ارباب زردینی داشته باشد . و اگر انجمن آثار ملی هم متصدی این کار باشد بجز باید مباشرت خرج را بایشان واگذار کنند پس انجمن آثار ملی در مقابل ما مسؤل نیست ما باید مباشر خودمان را مکلف قرار دهیم منتهی در تحت نظر انجمن آثار ملی باشد .

روحی - عرض میکنم خوبست توجه بفرمائید این فکر مال اداره مباشرت مجلس نبوده است . انجمن آثار

آثار ملی در این مجلس میآورند و ما هم باید تصویب کنیم و اسمش را میگذارند حقوق رئیس انجمن آثار ملی و عتیقه جات آقایان ! معروف است دور از شهر بخواب و خواب آشفته هم نه بین . این بیست هزار تومانی که برای تعمیر مقبره فردوسی در نظر گرفته اند ما به کمال افتخار می دهیم والله می دهیم . ولی دیگر این انجمن آثار ملی زائد و غیر مفهوم است . بنده میدانم که اعضاء آن يك اشخاص خیلی مقدس و محترم حتی ائمه جماعت هستند ولی مسؤل ما نیستند . اصول و جریان مملکت را از دست ندهید داد هم با آنها طرف هستیم ند با انجمن آثار ملی و عتیقه جات زمان مرحوم کمیورث . کسی را که غیر مسؤل است شما دخالت ندهید . خوب است آقایان کاملاً ملتفت باشند و بهتر این است خود آقای روحی هم موافقت کنند که این کلمه انجمن آثار ملی برداشته شود و او را برای بعد بگذارید . این عقیده بنده بود دیگر بسته به نظر آقایان است .

روحی - خیر کمیسیون محاسبات بسته برای مجلس است

نایب رئیس - رأی میگیریم . آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند . (عده زیادی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای محمد بعضی از نمایندگان - برود به کمیسیون ختم جلسه مخبر - عرض میکنم حالا که پیشنهاد آقای سید یعقوب قابل توجه شد . سایر پیشنهادات هم خوب است برود به کمیسیون . ولی بنده هیچ تصور نمیکنم که این خرج ساختمان مقبره فردوسی هم مثل اضافت بودجه فوائد عامه باشکلات بر بخورد . خداوند ان شاء الله يك قدری مرا عمل نزدیکتر کند تا کمتر از این پیشنهادها شود . نایب رئیس - سایر پیشنهادات هم میرود بکمیسیون جمعی از نمایندگان - ختم جلسه .

نایب رئیس - جلسه ختم میشود . جلسه آتیه روز یکشنبه چهار ساعت بظهر دستور بقیه این خبر و خبر کمیسیون بودجه راجع باضافات وزارت فوائد عامه و خارجه . (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

ملی مدتها است که در صدد است مقبره فردوسی را تعمیر کند . بالعقی هم خودش اعانه جمع آوری کرده است زحمت کشیده نقشه اینکار را تهیه و میزان مخارج را برآورد کرده است منتهی مجلس حالا کفک میکند . و در وقع این يك اعانه است که از طرف مجلس بانجمن آثار ملی داده میشود . شما می توانید از نقطه نظر پول خوردن بگوئید که اداره مباشرت مجلس در این کار حق نظارت دارد اما کلمه اختیارات را از انجمن آثار ملی نمیتوانید بگیرید . بجهت اینکه آنها زحمت کشیده اند و مقدم برده اند و اعانه جمع کرده اند در این صورت چگونه می توانیم حقشن را سلب کنیم بلی اداره مباشرت مجلس با آن اندازه که پول میدهد مسؤلیت و حقوق دارد نظارت کند تا این قسمت را بنده نمیتوانم قبول کنم و الا مابقراً نمیتوان قبول کرد .

نایب رئیس - رأی میگیریم قابل توجه بودن پیشنهاد آقای عدل . آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند .

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب .

(بان کیفیت خوانده شد)
پیشنهاد میکنم از کلمه مطابق نقشه تا میدارد حذف شود .

آقا سید یعقوب - از آقایان خواهش میکنم هیچ صحبت نکنند زیرا بنده کاملاً فهمیده ام مقصود چیست فردا در اینجا خواهند آمد و يك موضوعی برای این انجمن درست میکنند بنده از این کلمه (انجمن آثار ملی مترسم) ما چکار داریم که انجمن آثار ملی چیست . اگر این ترتیب باشد بنده میدانم که فردا يك بودجه برای انجمن آثار ملی میآورند آنوقت بنده باید سر پا بلند شوم و در اینجا فریاد کنم و داد کنم . پس فردا است که لایحه ماهی هفتصد و پنجاه تومان برای رئیس انجمن